



## منظومه فکری و تمدن ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت مقاله: 1400/02/19 تاریخ پذیرش مقاله: 1400/03/29 محمود شرفی<sup>1</sup>  
هادی عبدالملکی<sup>2</sup>

### چکیده

انقلاب اسلامی با ایجاد تحول بنیادین در اهداف و ارزش‌های جامعه ایران، و همچنین تأثیر در تحولات کشورهای منطقه و جهان اسلام در جایگاه یک انقلاب تمدن‌ساز ظاهر شد. تحولی که در درجه اول مرهون نقش‌آفرینی رهبران تمدن‌ساز آن است. حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله العالی) با خلق استعاره‌ها و واژگان تمدنی در طول چهار دهه عمر انقلاب اسلامی نقش بسزایی در گفتمان‌سازی تمدنی ایفا نموده‌اند، مقام معظم رهبری به عنوان پرچمدار نظریه‌پردازی و واژه‌سازی گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی نیز بارها بر این نکته تأکید داشته‌اند که یکی از دغدغه‌های مهم ولی فقیه و محتوای گفتمانی او حفاظت از ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی است. لذا نقش‌آفرینی تجربی و عملی مقام معظم رهبری(مدظله) در گفتمان‌سازی تمدنی و تدقیق مراحل شکل‌گیری و بلوغ تمدنی در کوران حوادث و تقابل با دشمنان تمدنی از برجستگی خاصی برخوردار است. این مقاله به روش مروری و با استفاده از تکنیک تحلیل گفتمان پسا ساختارگرایی "لاکلو موف" به تبیین استعاره‌های گفتمان‌ساز رهبری برای تبیین تمدن نوین اسلامی در مراحل سه‌گانه "تمدن سازی، تمدن پروری و تمدن داری" پرداخته است. نتایج بررسی نشان داد زایش نو به نو واژگان تمدنی در مناسبت‌ها و نام‌گذاری‌های سال با مفاهیم و جهت‌گیری خاص به بسیج افکار، اندیشه‌ها، قلم‌ها و منابع در شکل‌گیری مراحل و نظریه تمدن نوین اسلامی کمک زیادی نموده است. در این مقاله گفتمان تمدنی مقام معظم رهبری به عنوان یک مجموعه بهم پیوسته و درهم تنیده از واژگان زبانی و پیوند ساختاری برآمده از آن در سه نقش تحریری، اقناعی و احساسی تبیین و تحلیل شده است و نهایتاً مدل گفتمان‌سازی(انتزاعی و انضمامی) تمدنی مقام معظم رهبری در طول چهار دهه رهبری معظم له بازگو شده است.

### کلمات کلیدی

انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری، گفتمان، تمدن نوین اسلامی

1- گروه مدیریت، دانشکده ارتباطات، دانشگاه شهید محلاتی، قم، ایران. (نویسنده مسئول) sh.garin95@chmail.ir

2- دانش‌آموخته رشته آینده پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. ha.abdolmaleki48@gmail.com

مقدمه

انقلاب اسلامی در قواره یک انقلاب فراگیر ملی و به تعبیر فوکو "انقلاب همه مردم" در درجه اول مرهون اندیشه و تفکر انقلابی رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) و سایر همفکران ایشان از جمله شهید مطهری، شهید بهشتی، آیت اله طالقانی، شهید مفتاح، مرحوم هاشمی رفسنجانی، سید علی خامنه‌ای و سایر اندیشمندیانی بود که بر اساس جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی چارچوب شناختی - هنجاری خاص یک انقلاب مردم پایه را با تاکید بر همراهی مردم با تحول اسلامگرایانه در ایران مدیریت کردند. و با ایجاد تحول روحی و فکری در مردم ایران و سرزمین ایران یک تحول فراگیر به نام انقلاب اسلامی را با مختصات خاص خود برپا نمودند. انقلابی که در نتیجه اعمال شیطانی دشمنان تمدنی در همان دهه‌ی اول بسیاری از اندیشمندان و رهبران فکری انقلاب را از طریق حذف فیزیکی و ترور از دست داد لذا بار اصلی مسئولیت ادامه انقلاب و تحقق شعارهای تمدنی آن بر دوش رهبری فرزانه و شایسته از شاگردان امام افتاد که با حکمت و درایت خاص خود انقلاب را از گردنه‌های سخت توطئه، تهدید و تحریم عبور داد و این واقعیت را مسجل نموده است که چهار دهه عمر پرمهر از انقلاب اسلامی و ایستادگی در مقابل استکبار جهانی نشانگر تولید و تبیین انگاره‌های تمدنی در منظومه فکری رهبری است که ضمن استمرار روح و اندیشه‌ی رهبر کبیر انقلاب اسلامی توانسته است انقلاب را در طراحی گام‌های تمدنی مدیریت و هدایت نماید. این موفقیت علاوه بر توانایی‌های فردی شخص رهبری تابع شرایط و عواملی است که می‌توان آن را تحت عنوان "گفتمان تمدن‌ساز رهبری" بازخوانی کرد. گفتمان تمدن‌ساز رهبری انقلاب در دو نقش رهبری هدایتگر افکار عمومی جامعه در مقام انتزاعی و نقش مدیر انقلابی-ساختاری تحولگرا و مطالبه‌گر در مقام انضمامی ممکن شده است، و با اتکاء بر نفوذ معنوی و راهبری حاکمیتی اعمال شده است. در نگاه اول و بازخوانی بیانات رهبری بسیاری از وجوه آن آشکار و قابل ترسیم است اما در نگاه کاوشگرانه و تبیینی درک چگونگی این نقش‌آفرینی مستلزم پاسخ به این سئوالات است که گفتمان تمدنی رهبری ناظر بر سیر تکامل مراحل تمدن "ساختن، پروراندن و داشتن" چگونه است؟ ظهور و بلوغ استعاره‌ها و انگاره‌های تمدن‌سازی در گفتمان مقام معظم رهبری در طول چهار دهه عمر انقلاب اسلامی چگونه است؟ مخاطبان، کارگزاران و ارکان "تمدن‌سازی، تمدن‌پروری و تمدن‌داری" در گفتمان مقام معظم رهبری کدامند؟ مراحل، فرایند، سطوح و مولفه‌های تمدن‌ساز مورد تاکید معظم له کدامند؟

## منظومه فکری و تمدن‌ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی / شرفی و عبدالملکی

اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع ناظر بر نقش و جایگاه بی بدیل مقام معظم رهبری در گفتمان‌سازی تمدنی و استمرار نقش معظم له در ایجاد شناخت و تبیین مبانی و اصول تمدن، نهاد سازی و تعلق خاطر تمدنی و نهایتاً رفتارهای تمدنی در میان اقشار و گروه‌های اجتماعی خصوصاً نخبگان و جوانان برای به سرانجام رساندن فلسفه انقلاب در احیاء تمدن دیرین و تکامل آن در قواره ایرانی- اسلامی است. ایضا درک این وضعیت می‌تواند به تبیین تاثیر گفتمان رهبری در ارائه نقش و جایگاه الگو سازی ایران در قرائت نوین از تمدن اسلامی و نفی سرمشق‌گیری از الگوهای غربی کمک نماید. بنابراین پرداختن به این موضوع هم از آن‌جهت که موجب شناخت و آشنایی با دامنه مفهومی و ادبیات تمدن سازی در تجربه انقلاب اسلامی می‌شود، بسیار حائز اهمیت است، هم از این نظر که مولفه‌های اساسی و اولویت چیدمان آنها را در تمدن‌سازی از نگاه دیدبان تمدن نوین اسلامی در مرحله انضمامی شدن مفاهیم تمدنی بازگو می‌کند، بسیار ضرورت دارد.

### **مبانی و رویکرد نظری**

#### **تعریف تمدن**

در فرهنگ فارسی، تمدن به مفهوم شهرنشینی، اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن و نیز همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی آمده است (معین، 1390). همچنین تمدن بیانگر فعالیت عوامل اصیل حیات فردی و اجتماعی است، به این معنی که اگر در یک جامعه‌ای نظام حقوقی درست ساکن باشد، مدیریت سیاسی منطقی حاکم باشد، برای رفع نیازهای زندگی انسان‌ها از امکانات فنی و فعالیت‌های فکری انسان‌ها نیز استفاده صحیح شود، به رفاه انسان‌ها توجه شود و کار چه از لحاظ فکری و چه عضلانی دارای ارزش باشد، این تمدن بقا خواهد یافت (نصری، 1394: 12). همچنین در فرهنگ دهخدا تمدن به معنی شهرنشینی آمده است (دهخدا، 1377: 6109). تمدن در زبان انگلیسی civilization "سیویلایزیشن" و در عربی حضاره خوانده می‌شود و در لغت به معنای شهرنشینی و از ریشه مدینه و مدنیت گرفته شده و به عبارت دیگر متخلق شدن به شهرنشینی یا خوی و خصلت شهرنشینی به خود گرفتن می‌باشد.

تمدن محصول باورها، نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای انسان است. محصولی که از ترکیب دو دسته عوامل سخت افزاری و نرم افزاری ایجاد می‌شود، مولفه‌های سخت‌افزاری ناظر بر شکل‌گیری و تکامل هویت مادی و کالبدی تمدن "وجوه آشکار" هستند که برای ناظر خارجی به صورت محدود قابل

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره 3، پائیز 1400

مشاهده است. درحالی که مولفه‌های نرم افزاری ناظر بر هویت معنوی و درونی و زیر ساخت فکری تمدن است.

تمدن تبلوری از هستی‌شناسی و راوی فرهنگ یک جامعه است که از مرزهای ملی آن فراتر رفته و از تاریخ آن عبور کرده است (پهلوان، 1388: 370)

به اعتقاد جامعه شناسان تمدن‌ها دارای وجوه و ویژگی‌های مشترکی هستند، از جمله اینکه:

1. همه تمدن‌ها دارای قوانین و مقررات هستند.
2. همه تمدن‌ها دارای نوعی حکومت یا نظام سیاسی هستند.
3. همه تمدن‌ها دارای نوعی خط و زبان نوشتاری اختصاصی هستند.
4. همه تمدن‌ها دارای شکل‌هایی از هنر و فعالیت‌های هنری هستند.
5. همه تمدن‌ها دارای شیوه‌های آموزشی خاص برای انتقال دستاوردهای خود به نسل جدید هستند. (بر گرفته از روح الامینی، 1365)

علاوه بر موارد فوق ویژگی‌های زیر را نیز می‌توان به آن افزود:

1. همه تمدن‌ها دارای فلسفه و پارادایم فکری خاص هستند.
  2. همه تمدن‌ها دارای ابعاد سخت افزاری و نرم افزاری هستند.<sup>1</sup>
  3. همه تمدن‌ها دارای افق دور دست و آینده‌ای آرمانی هستند.
- با این تعبیر می‌توان گفت در کلان تاریخ بشری و مقایسه مبانی جهان‌شناسی و انسان‌شناسی جوامع و تمدن‌ها با دو نوع تمدن مواجه هستیم که عبارتند از:

1. تمدن‌های مبتنی بر عقل و تجربه بشری.
2. تمدن مبتنی بر فطرت و هدایت الهی.

این دو نوع تمدن اگرچه در ابعاد و سطوح دارای تفاوت‌های آشکاری هستند اما وجه مشترک این دو نوع تمدن این است که کنشگر اصلی هر دو تمدن "انسان" است. اما انسان در منطق اولی مطابق رویکرد فلاسفه‌ای چون نیچه "انسان رها شده به حال خود" که محکوم به آزمایش و تجربه بر اساس هدایت درونی و عقل است. درحالی که در منطق دومی علاوه بر هدایت درونی (فطرت و عقل) انسان به وسیله نبی و ولی الهی هدایت می‌شود و تحت تعالیم و آموزه‌های الهی قرار می‌گیرد. خصوصا آنکه این

## منظومه فکری و تمدن‌ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی / شرفی و عبدالملکی

ملاک در رویکرد تمدن نوین اسلامی با معیار تطبیق آموزه‌های دینی با تحولات زمان در قالب ولایت و رهبری دینی شان بالایی دارد.

نوع اولی تمدن نگاه تک بُعدی به انسان دارد و انسان را بیشتر موجود مادی می بیند و این باور وجود دارد که غرایز و جنبه مادی وجود انسان باید در تجربه و پیشرفت زندگی اجتماعی تحت کنترل قواعد و قوانین اجتماعی توسط خود انسان و یا با اجماع جمعی صورت بگیرد و یا تلطیف شود. مطابق این رویکرد، تمام کنش‌های اجتماعی، نهادی و ساختار اجتماعی را با این منطق سامان می‌یابد. در حالی که نوع دومی انسان را موجودی چند بُعدی می‌داند و قائل به تعادل ابعاد مادی و معنوی وجود انسان است. و انسان با ویژگی‌های دوگانه‌ای که در وجود او است، در پی رستگاری و کمال است.

تاریخ به عنوان اصلی‌ترین گذرگاه تمدن‌ها؛ شاهد تولد، رشد، بالندی و افول تمدن‌های زیادی بوده است. مرور عوامل اوج و افول تمدن‌ها درس‌های آموزنده‌ای برای منادیان و مدعیان تمدن دارد و نکته مهم در این گذرگاه وابستگی تمدن به اندیشه انسان است " هر کجا اندیشه‌ای عالی بوده است، انسان‌هایی با اندیشه‌ای عالی بوده‌اند، تمدن هم بوده است، اندیشه عالی و اندیشه درست تمدن‌ساز است (سید محمد خامنه‌ای، 1396: 7).<sup>2</sup>

آنچه تحت عنوان تمدن نوین اسلامی توسط مقام معظم رهبری طرح و نظریه پردازی شد و انتظار می رود به عنوان یک گفتمان غالب در مجامع علمی و اجرایی پی‌گیری شود. یک هدف کلان در افق انقلاب اسلامی است که در نهایت به تحقق "حیات طیبه اسلامی" به عنوان هدف نهایی انقلاب اسلامی منجر خواهد شد، انقلابی که اگرچه در یک نگاه تحولی اجتماعی و سیاسی به مانند بسیاری از انقلاب‌های دیگر بود. اما در اصل بر بنیان‌های نظری متفاوتی استوار بود، از جمله قرائت سیاسی از اسلام، شریعت و طرح اسلام ناب محمدی(ص) در مقابل اسلام تحجر و نفاق آمریکایی بود، در قرائت نوین از نقش دین در تمدن سازی؛ تفکر علوی، روش عاشورایی، آرمان مهدویت و شایستگی ملت و تمدن ایرانی در سرزمین ایران ظرفیت و قابلیت بلوغ و باروری یافته است. این پیوند ایرانی - اسلامی با منطبق "حُبِ وَلَا و حُبِ وَلَا" جهان را مدت ها در سکوت برد و امروز نیز برخی ملت‌ها از رونق آن شاداب و امیدوارند و گروهی دیگر هراسان و ترسان. در واقع می‌توان گفت نظریه "تمدن نوین اسلامی" یک تولید ایرانی و نظریه‌ای بومی اسلامی در بستر و آغوش ایرانی است. در واقع ارائه و طرح مقام معظم رهبری(مدظله) با گفتمان تمدن نوین و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز در تبیین این ضرورت و مبتنی بر "نظریه تمدنی اسلام" است که دارای سه بنیاد اساسی است:

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره 3، پائیز 1400

1. بنیاد فلسفی و عقلی؛ اینکه منطقا و عقلا در اسلام امکان ایجاد تمدن وجود دارد. و اسلام به دنبال تاسیس و تکامل تمدن بر اساس فلسفه رسالت نبوی است.
  2. بنیاد وحیانی؛ فلسفه خلقت انسان رسیدن به کمال و قرب الهی است و هدایت درونی و بیرونی الهی در ساخت تمدن و پیمون راه کمال شامل حال نوع بشر شده است.
  3. بنیاد اجتماعی و سیاسی؛ اینکه افراد مومن و مسلمانان خصوصا نسل جدید و انقلابی به دنبال ساخت تمدن دلخواه خود با آموزه‌های دینی و احیای شریعت اسلامی در مدل‌های توسعه و پیشرفت هستند.
  4. و وجه ممیزه تمدن ایرانی عشق به اهل بیت(ع) و دوستی با دوستان اهل بیت(ع) و دشمنی با دشمنان اهل بیت(ع) در فجام مهدیت است.
- در سابقه تمدنی جهان اسلام علیرغم چالش‌ها و انحرافات کلی، دو تجربه تمدنی مشاهده می‌شود؛ یکی تفکر و تجربه تمدن نبوی و یا مدینه‌النبی و دیگر تفکر و تجربه تمدن علوی. کلان‌روندهای تاریخ تمدن اسلامی نشان می‌دهد بخشی از جهان اسلام با داعیه‌های سنت‌گرایی و تاکید بر اسلام خلیفه‌گری و سلطنتی صرفا برای برخی آثار تمدنی صدر اسلام اعتبار قائل است. در حالیکه در بخشی دیگر جهان اسلام که بر بنیاد تفکر علوی استوار گشته. تمدن اسلامی را محصور در مدینه‌النبی و تجارب تمدنی اولیه نمی‌بیند بلکه در پی جهانی سازی تمدن اسلامی بر اندیشه و چشم‌انداز مهدویت است. بر همین قاعده انقلاب اسلامی، رهبران، ارکان و نهادهای انقلابی پیشران و کنشگران اصلی تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شوند.
- این سبک از تمدن سازی به جای تاکید بر ابعاد سخت افزاری تمدن بر تاثیر مولفه‌های نرم افزاری در تمدن‌سازی پایبند است، بر این قاعده اصلی که "زمین خدا هیچگاه بدون ولی نمی‌ماند" در کانون نرم افزاری این اندیشه تمدنی؛ معصومیت محوری اولیه و ولایت محوری متاخر قرار دارد که در برساخت تمدن به مفهوم عام و تمدن نوین اسلامی به مفهوم خاص دلالت دارد.
- گفتمان نظریه تمدن نوین اسلامی فضایی از کنش‌گفتمانی است که در صدد است قرائتی نوین از اسلام ناب محمدی برای رفع فاصله بین رسالت نبوی(ص) و فرجام خواهی مهدوی(عج) است به عبارتی تمدن اولیه نبوی را در بستر تمدن علوی به فرجام تاریخ بشر در تمدن مهدوی متصل نماید.

## روش شناسی

این مقاله به روش تحلیل گفتمان از طریق تحلیل بیانات و دیدگاه های مقام معظم رهبری در خصوص فرایند تمدن سازی در انقلاب اسلامی، دسته بندی و استخراج مولفه ها و گره های اصلی در باره ویژگی های تمدنی انقلاب اسلامی به سرانجام رسیده است.

گفتمان ریشه در گفتن به معنی حرف زدن، سخن راندن دارد (عمید، 1363: 1010) اصطلاح گفتمان از واژه فرانسوی "دیسکورس"<sup>3</sup> و لاتین "دیسکورسوس"<sup>4</sup> به معنی گفتگو، محاوره و گفتار گرفته شده است. گفتمان در یک رابطه فعال، معنی بخش و هویت ساز با واقعیت و نیز به مثابه کنش هایی که به طور منظم درباره موضوعاتی صحبت می شود، است. در واقع گفتمان، رویکردی ساختاری به متن است که امکان اتصال متن به جنبه های جامعه شناسی را فراهم می کند. (فرقانی، 1382: 62) لذا برای ایجاد ساختار در جامعه و متقابلاً برای شکستن آن، می توان از گفتمان استفاده کرد. گفتمان در ساخت یا تغییر ساخت اجتماعی سه نقش دارد:

1. نقش تحریری گفتمان؛ در ایجاد حرکت و تغییر؛ که بستگی به میزان اثر تبلیغات و شیوه های گفتمان دارد.

2. نقش اقناعی گفتمان؛ که به انسجام منطقی و ایدئولوژیک آن موقوف می شود.

3. نقش احساسی گفتمان؛ که از طریق برانگیختن احساسات، برای پذیرش ساختارهای جدید و بدیع زمینه سازی می کند. (فرقانی، 1382: 61-62)

به عبارتی گفتمان گونه ای کنش اجتماعی است که در تولید جهان اجتماعی - شامل دانش، هویت ها و روابط اجتماعی و در نتیجه حفظ الگوهای اجتماعی خاص نقش دارد. این نگرش ضد ذات گرا<sup>5</sup> است: یعنی اینکه جهان اجتماعی به نحوه اجتماعی ساخته شده است و در نهایت شرایط خارجی نیستند که ویژگی جهان اجتماعی را مشخص و یا تعیین می کنند (یورگنسن، 1391: 24).

همچنین گفتمان به شیوه ای خاص برای سخن گفتن در باره ی جهان و فهم (و یا یکی از وجوه) آن گفته می شود (یورگنسن، 1391: 18)

هر سه رویکرد رایج تحلیل گفتمان " رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (منسوب به "نورمن فرکلاف"<sup>6</sup>)، رویکرد تحلیل گفتمان پسا ساختارگرای (منسوب به "ارنستو لاکلو و شانتال موف"<sup>7</sup>) و رویکرد روانشناسی گفتمانی (منسوب به "جانان پاتر و مارگارت وترل"<sup>8</sup>) که به گفتمان به عنوان یک

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره 3، پائیز 1400

برساخت اجتماعی می‌نگرند، پرکتیس‌گفتمانی - یک پرکتیس اجتماعی است که به جهان اجتماعی شکل می‌بخشد (یورگنسن، 1391: 44) رویکرد گفتمان "لاکلو و موف" بیشترین تناسب را با ماهیت و رویکرد انقلاب اسلامی از منظر سازنده بودن، انتزاعی‌تر و توجه به جنبه‌های ثبات و تغییر به طور همزمان و پیوستگی ابعاد و مولفه‌های گفتمان در یک پرکتیس اجتماعی و گفتمانی و امکان طرد مولفه‌های غیرگفتمانی دارد، لذا در این تحقیق برای تبیین ابعاد و مولفه‌های گفتمان تمدنی مقام معظم رهبری در بستر انقلاب اسلامی از رویکرد لاکلو و موف استفاده می‌شود.

مهمترین ویژگی رویکرد "لاکلو و موف" که مزیت آن نسبت به رویکرد تحلیل انتقادی و روانشناسی محسوب می‌شود، عبارت از سه نکته است:

گفتمان نقش سازنده دارد و یک جریان دامنه‌دار است و صرف ساخته و خلق نشده است که محدود باشد.

گفتمان بیشتر انتزاعی است (به موضوعات نظری و غیر شخصی شده می‌پردازد، تا موضوعات روزمره.

گفتمان هم به ثبات می‌پردازد و هم به تغییر.

هدف نظریه گفتمان فهم امر اجتماعی به مثابه برساختی اجتماعی است (یورگنسن، 1391: 53)

لاکلو و موف برای درک معنا و چگونگی تفاوت و دگرگونی معانی در گفتمان‌ها می‌نویسند:

ما مفصل‌بندی<sup>9</sup> را هرگونه عملی به شمار خواهیم آورد که رابطه‌ای را میان مولفه‌ها تثبیت می‌کند به نحوی که هویتشان در نتیجه عمل مفصل‌بندی دستخوش تغییر شود. آن کلیت ساختاریافته ناشی از عمل مفصل‌بندی را گفتمان خواهیم خواند. مولفه مبتنی بر تفاوت را تا زمانی که در قالب یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشند بعد<sup>10</sup> خواهیم نامید<sup>11</sup> در مقابل هرتفاوتی را که به شکل گفتمانی مفصل‌بندی نشده باشد عنصر<sup>12</sup> نام خواهیم نهاد (لاکلو و موف<sup>13</sup>، 1958: 111)

مطابق این تعریف؛ گفتمان تمدنی رهبری شبکه‌ای از معانی بهم مرتبط را حول قلمرو مفهومی "انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی، جهان اسلام" بوجود می‌آورد. به این معنا می‌توانیم از یک گفتمان صحبت کنیم. لذا از آنجا که گفتمان را ثبت معنا درون یک قلمرو خاص تعریف کرده‌اند، یک گفتمان از طریق ثبت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاصی شکل می‌گیرد، گره‌گاه‌ها نشانه ممتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند، سایر نشانه‌ها معنای خود را از رابطه شان با گره‌گاه‌ها اخذ می‌کنند (لاکلو و موف، 1958: 112)



## منظومه فکری و تمدن‌ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی / شرفی و عبدالملکی

مطابق این رویکرد می‌توان گفت "تمدن‌سازی، تمدن‌پروری، تمدن‌داری" گره‌گاه‌ها در گفتمان تمدنی هستند، که تمامی مفاهیم، واژه‌ها و استعاره‌های دال بر یکی از مراحل سه‌گانه تمدن را عینیت می‌بخشد.

لاکلو و موف کلیه حالت‌های ممکن را که گفتمان طرد می‌کند، میدان گفتمان<sup>14</sup> می‌نامند. میدان گفتمان مخزنی است برای نگاه‌داری مازاد معنای تولید شده به وسیله عمل مفصل‌بندی، یعنی طرد معناهایی که هر نشانه در سایر گفتمان‌ها داشته است به وسیله یک گفتمان خاص به منظور خلق یک واحد معنایی، یعنی هر آنچه که می‌تواند به گفتمان کمک کند، ممکن است در میدان گفتمان قرار گیرد اما در حال حاضر موضوع گفتگو در درون گفتمان نیست.

در نظریه گفتمان آن عناصری را که به روی انتصاب معانی گوناگون بازند "دال‌ها سیال"<sup>15</sup> می‌نامند، دال‌های سیال نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند به روش خاص خودشان به آنها معنا ببخشند، گره‌گاه‌ها دال‌های سیال‌اند اما گره‌گاه به نقطه بلورینه شده<sup>16</sup> درون یک گفتمان خاص اطلاق می‌شود (یورگنسن، 1391: 60)

عمل مفصل‌بندی پیوسته گفتمان را بازتولید می‌کنند به چالش می‌کشند و تغییر می‌دهند، لذا گفتمان‌کلیتی است که در آن هر نشانه‌ای در قالب یک بُعد به واسطه رابطه‌اش با سایر نشانه‌ها درست مانند گره‌های تورماهیگیری تثبیت شده است (یورگنسن، 1391: 57)

بر اساس نظریه تحلیل گفتمان "لاکلو و موف" نشانه‌ها در قالب رابطه‌شان با یکدیگر ساختار‌بندی شده‌اند اما این ساختار هرگز کلیتی تام و تمام<sup>17</sup> نخواهد بود. گفتمان‌ها همواره و صرفاً معناهایی بوده و هستند که به طور محدود و موقت در قلمروی که به نحوی بنیادین تصمیم‌ناپذیر است، ثبت شده‌اند (یورگنسن، 1391: 76)

گره‌گاه‌ها<sup>18</sup> در نظریه لاکلو و موف همان دال‌های اصلی<sup>19</sup> در نظریه "لاکان" هستند. معنا بخشیدن به یک دال اصلی از طریق پیوند دادن دال‌ها در قالب زنجیره‌های هم‌ارزی انجام می‌گیرد که هویت را بر اساس نسبتش با دیگران ایجاد می‌کند (لاکلو و موف، 1985: 127)

گره‌گاه‌ها، نشانه‌های متمایزی هستند که یک گفتمان حول آن‌ها سازمان پیدا می‌کند اما این نشانه‌ها به خودی خود محتوایی ندارند (یورگنسن، 1391: 60) و (لاکلو، 1990: 28)

## یافته‌ها و نتایج

نظریه تمدنی مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در احیای نقش تمدن‌سازی ایرانیان در پیوند با آرمان‌های جهانی تمدن اسلامی پنج مرحله از شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بر می‌شمارند و معتقد هستند که برای رسیدن به جامعه متعالی و الگو در افق تمدنی اسلامی - ایرانی چند مرحله باید طی شود که عبارتند از:

### 1. پیروزی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی مرحله دگرگونی بنیادی جامعه طاغوتی و نقطه آغاز حرکت آن به سمت اقامه اسلام در جامعه است... "ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، بوجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است... "فرآیند تحقق هدفهای اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است... قدم اول که پُرهیجانتر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسانترین است" (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار کارگزاران نظام - 1380/9/21)

" خطوط اصلی جامعه‌ی مطلوب، یعنی استقرار شریعت اسلامی که متضمن عدل اجتماعی و استقلال سیاسی و استغنائی اقتصادی و رشد علمی و اخلاقی است، در منظر همگان قرار گرفت و شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» که به معنای تبدیل واقعی و همه‌جانبه‌ی بنیانهای زندگی جاهلی به بنیانهای اسلامی است، مطرح گردید. (مقام معظم رهبری، پیام به مناسبت اولین سالگرد رحلت امام خمینی، 1368/3/10)

مرحله بعد هماهنگ‌سازی ساخت کلی و پی‌ریزی هندسه کلی نظام اسلامی که تجلی آن نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

### 2. تاسیس نظام اسلامی

" قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه‌ی عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. " (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، 1380/9/21)

"انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی

### منظومه فکری و تمدن‌ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی / شرفی و عبدالملکی

استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی. " (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، 1379/9/12)

#### 3. تشکیل دولت اسلامی

مرحله پس از نظام‌سازی، تشکیل دولت اسلامی است. " بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه‌ی اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسؤولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسؤول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله‌ی سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. " (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، 1379/9/12)

" قدم بعدی - که از اینها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیأت وزیران؛ یعنی مجموعه‌ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکلتر از مراحل قبلی است.

ما مسؤولان باید خود را بسازیم؛ مرتب با خود کلنجار برویم؛ یکدیگر را به حق وصیت کنیم؛ یکدیگر را ارشاد کنیم؛ مثل آینه‌ای در مقابل یکدیگر، عیوبمان را صادقانه به هم نشان دهیم؛ بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روزبه‌روز بهتر کنیم. هر کس هم که جدیداً مسؤولیت را بر عهده می‌گیرد، با این نیت و با این هدف مسؤولیت را قبول کند که می‌خواهد برای خدمت به مردم، یک انسان صالح شود. آن وقت می‌شود تشکیل دولت اسلامی. " (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، 1380/9/21)

رکن بعدی دولت اسلامی عبارت است از اینکه علاوه بر ویژگی‌های کارگزاران، روشها و ساختارهای اداره کشور نیز که بنا است کارگزاران نظام در قالب این ساختارها و روشها به ارائه خدمت به مردم بپردازند نیز اسلامی شوند.

" منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیان‌های اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره 3، پائیز 1400

مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور" (مقام معظم رهبری، بیانات در دانشگاه کرمانشاه، 1390/7/24)

#### 4. کشور اسلامی

مرحله بعد از تشکیل دولت اسلامی، نوبت به جامعه و یا کشور اسلامی می‌رسد " یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی." (مقام معظم رهبری، بیانات در دانشگاه کرمانشاه، 1390/7/24)

#### 5. تمدن اسلامی

تشکیل تمدن بزرگ اسلامی، آخرین و مرحله‌نهایی از مراحل پنج‌گانه ارائه‌الگوی تکامل تمدن اسلامی است، یعنی سازوکارهای لازم برای ایجاد دنیای اسلام و امت اسلامی با ظهور منجی کل و حاکمیت امام معصوم (ع)" (مقام معظم رهبری، بیانات در دانشگاه کرمانشاه، 1390/7/24)

مرحله نهایی	مرحله مقدماتی			
	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم
ایجاد انقلاب اسلامی	ایجاد نظام اسلامی	ایجاد دولت اسلامی	ایجاد کشور اسلامی	ایجاد دنیای اسلامی
دگرگونی بنیادین و ساقط کردن نظام طاغوت	ایجاد هندسه عمومی جامعه	تشکیل مشی و روش دولتمردان به گونه‌ای اسلامی	مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی	الگو و اسوه بودن برای مسلمانان عالم

این مرحله از ساخت تمدن اسلامی آنقدر مهم است که مقام معظم رهبری در تحلیل شرایط بیداری اسلامی در جهان اسلام به گروه‌های انقلابگر سه توصیه می‌کند:

1. لزوم نظام‌سازی: "نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایش‌های چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند." (مقام معظم رهبری، بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، 1390/6/26)

2. ماهیت نظام جایگزین: "یقیناً دست‌های استکبار و عوامل استکبار سعی می‌کنند حالا که نظام وابسته ساقط شد، شاید بتوانند یک نظامی را سرکار بیاورند که باز وابستگی‌اش به غرب محفوظ باشد؛

## منظومه فکری و تمدن‌ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی / شرفی و عبدالملکی

یک نظامی بر سرکار بیاید که وابسته‌ی به غرب باشد؛ برنامه‌های غرب را، برنامه‌های آمریکا را بر طبق میل آنها اجرا کند؛ منتها با یک شکل مدرن‌تری... دنبال این هستند که یک نظام سکولار بر سر کار بیاید؛ نظامی که تعهد دینی نداشته باشد. اینها هم دارند کار می‌کنند، تلاش می‌کنند. عده‌ای هم به دنبال ایجاد یک نظام اسلامی هستند. البته تفسیرها و تعبیرها از نظام اسلامی مختلف است. بنابراین کشمکش‌هایی در این زمینه‌ها وجود دارد؛ تلاش برای ایجاد نظام جایگزین. ("مقام معظم رهبری، بیانات در دانشگاه کرمانشاه، 1390/7/24)

3. الگوبرداری از تجربه جمهوری اسلامی: "به طور طبیعی یکی از عواملی که می‌تواند در این عرصه‌ی کشاکش و تصمیم‌گیری و اثرگذار برای آینده، اثر بگذارد؛ نظام جمهوری اسلامی ایران، رفتار دولتمردان، رفتار مردم و به طور کلی شاکله‌ی نظام جمهوری اسلامی است." (مقام معظم رهبری، بیانات در دانشگاه کرمانشاه، 1390/7/24)

برخی از مهمترین ویژگی‌های این تحول عبارتند از:

1. تکامل و ترقی اندیشه دینی از رویکرد سلبی صرف به رویکرد ایجابی و تاسیس نظام<sup>20</sup> در مقام تمدن‌سازی.

2. نظریه ولایت فقیه به عنوان رکن اصلی حاکمیت دینی و نظام سیاسی اسلام در مقام تمدن‌پروری.

3. نهادسازی و با برجسته‌سازی عدم جدایی دین از سیاست در مدیریت جامعه در مقام تمدن‌داری.  
4. اصالت مردمی و شکل‌گیری تشکل‌های مردمی با تاکید بر مفاهیم اساسی نظام اجتماعی، آزادی، استقلال، عدالت و حاکمیت مردمی در مقام حفاظت تمدنی.

5. تاکید بر آزادی، روحیه انقلابی و آرمان‌گرایانه «هر کس می‌باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما، راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد. (مطهری، 1381. ص 63) امام خمینی (ره) فطرت مردم را مخاطب خود دانست و هویت مردم ایران را در مسیر تمدن اسلامی قرار داده و ثابت کرد اگر در راه این ابراز هویت، مانعی نباشد و آزادی به شکل صحیحش نقش ایجابی را ایفا نماید، می‌توان از مرحله نهضت‌های اسلامی به مرحله نظام اسلامی رفت.

تحلیل گره‌گاه‌ها و شرایط مفصل‌بندی واژگانی گفتمانی در تمدن‌سازی نشان می‌دهد تکامل تمدنی علاوه بر تولید مفاهیم تمدن‌سازی نیازمند تبیین شناخت و تحلیل کلید واژه‌های تمدن‌پروری

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره 3، پائیز 1400

و تمدن داری است. به عبارت دیگر نوعی نگاشت تمدنی در حال شکل‌گیری است که شامل سه گام اساسی 1. تبیین اهداف و ماهیت تمدن در مرحله تمدن‌سازی، 2. ارکان و نهادهای تمدن پروری 3. کارگزاران و عوامل تمدن داری در آن برجسته می‌گردد. که در ادامه مهمترین مولفه‌های گفتمانی دیدگاه مقام معظم رهبری در این باره بازگو می‌شود:

#### 1. هدف و ماهیت تمدن‌سازی:

از نظر مقام معظم رهبری (مدظله) هدف انقلاب عبارت بود از ساختن یک جامعه متعالی اسلامی و الگو و ایرانی با این خصوصیات: مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در علم و بقیه‌ی دستاوردها، برخوردار از آزادی با همه‌ی معانی آزادی... هم آزادی معنوی، که آن رستگاری انسان و تعالی اخلاقی انسان و عروج معنوی انسان است، که هدف اعلی، این است. همه‌ی کارها مقدمه برای تکامل انسان و عروج انسانی است. این باید در جامعه‌ی اسلامی خود را نشان بدهد. (مقام معظم رهبری، بیانات در جمع مردم شیراز، 1379/2/11)

به اعتقاد امام خامنه‌ای اولین آرمان انقلاب اسلامی عبارت است از تشکیل جامعه‌ای با ویژگی‌ها و مختصات اسلامی و نهایتاً تسری این ویژگی‌ها و خصوصیات به سایر جوامع اسلامی و حتی بشری. این هدف را اینگونه بیان می‌کند؛

"ما بحث آینده‌ی بلندمدت نظام اسلامی را می‌کنیم. شما در ذهنتان چهل سال بعد را تصویر کنید و ببینید که جمهوری اسلامی در آن سالها چگونه بر تمام دنیای ظلمانی مادی آن روز پرتو خواهد افکند؛ ... و ببینید جمهوری اسلامی چه هویت درخشانی ایجاد کرده و چه خیمه‌ی عظیمی بر فراز فکر و ذهن بنی‌آدم در سرتاسر جهان زده است (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار طلاب و روحانیون، 1368/3/22)

هدف عبارت است از تبدیل کشور ایران به کشوری پیشرفته، قدرتمند، شریف - شریف در مقابل لثیم و پلید که بعضی از کشورها و بعضی از قدرتها هستند - صاحب حرف نو در مسائل بشری و در مسائل بین‌المللی... و برافرازنده‌ی پرچم تمدن نوین اسلامی. ما یک چنین کشوری میخواهیم؛ هدف این است. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار نخبگان علمی کشور، 1395/7/28)

همه می‌خواهند ایران عزیز را به‌عنوان الگوی یک کشور اسلامی به دنیا معرفی کنند. الگوی کشور اسلامی هم به معنای این نیست که در این کشور همه‌ی مردم فقط مشغول نماز و روزه و دعا و

## منظومه فکری و تمدن‌ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی / شرفی و عبدالملکی

توسّلاتند؛ نه، اینها هست، اینها معنویت است اما در کنار این معنویت، پیشرفت مادی هست، رشد علمی هست، توسعه‌ی عدالت هست، کم شدن فاصله‌های طبقاتی هست، برداشته شدن نمونه‌ها و قلّه‌های اشرافی‌گری هست؛ .... ملت ایران دنبال یک چنین جامعه‌ای است؛ همه این را میخواهند؛ (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، 1395/5/11)

هدف نهائی نمیتواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه‌ی ابعاد خود در قالب ملتها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه‌ی اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسانها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگوئی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تجرّ و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، میتوان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است. (مقام معظم رهبری، بیانات در اجلاس بیداری اسلامی، 1392/9/2)

تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه‌ی پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه‌ی بشریت هدیه دهد و نقطه‌ی رهائی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاقی به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزیِ غربند، باشد (مقام معظم رهبری، بیانات در اجلاس بیداری اسلامی، 1392/9/2)

خدا محوری و اعتماد به نفس:

عامل مهمّ در یک تمدن متکی بر اندیشه دینی عبارت است از خودباوری، اعتماد به نفس و اعتماد به کمک الهی. در همه‌ی کارها توکّل به خدای متعال و استمداد از کمک الهی [کنیم]؛ به کمک‌های الهی اعتماد کنیم. " وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. [وقتی] شما از خدای متعال کمک می‌خواهید، راه‌ها به‌سوی شما باز می‌شود؛" این رزقی که در این آیه و در آیات دیگر گفته شده است، به شکل‌های مختلفی به من و شما می‌رسد؛ گاهی شما ناگهان در ذهنتان یک چیزی برق می‌زند، می‌درخشد، راهی باز می‌شود؛ این رزق الهی است؛ در یک برهه‌ی فشار، ناگهان یک امید وافر

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره 3، پائیز 1400

در دل شما به وجود می‌آید؛ این همان رزق الهی است (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا، 1393/2/10)

مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد (مقام معظم رهبری، بیانات در ، 1391/7/23).

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: آنچه که انقلاب به ما داده و توقع ما از خودمان است، این است که این {اعتماد به نفس} را روز به روز در خودمان تقویت کنیم؛ آن، اعتماد به نفس است. اعتماد به نفس ملی؛ ملت به خود اعتماد به نفس داشته باشد، بداند که می‌تواند مقاصد خودش را با همت بلند و با مجاهدت و با همدستی همه‌ی کشور با یکدیگر، پیش ببرد؛ (مقام معظم رهبری، بیانات در دانشگاه فردوسی مشهد، 1386/2/25)

سه مانع اصلی در راه فرایند اعتماد به نفس و به ثمر رسیدنش وجود دارد که ما باید متوجه این سه رخنه باشیم. این سه رخنه می‌توانند فرایند اعتماد به نفس ملی و منتهی شدن آن به پیروزی‌های پی در پی و رسیدن به آرمانها را مخدوش کنند. اول، ایجاد یأس است؛ تیره کردن افق، به رخ کشیدن فاصله‌های علمی. بنابراین سه تا مانع ممکن است دشمن طراحی کند: یکی پراکندن یأس، یکی منحرف کردن استعدادها، یکی هم برخورد سخت و خشن؛ یعنی تحمیل تهاجم نظامی و از قبیل اینها. در مورد این مسئله ی اول که پراکندن نومییدی و یأس است، من اصرار دارم شما جوانها بیشتر فکر کنید، تأمل کنید و نشانه‌هایش را ببینید. (مقام معظم رهبری، بیانات در 1386/10/13)

#### **آرمانگرایی واقع بینانه:**

مقام معظم رهبری جایگاه این عامل را در فرایند تمدن سازی اینگونه بیان می‌نمایند: "دنبال آرمان‌های حقیقی در قالب و لباس عملی آن بگردید. نباید دنبال ایده‌آلهایی بود که عملی و اجرایی نیستند، نباید به کم قانع شد و از آن آرمانها دور ماند. آنچه همواره باید مورد نظر باشد، چشم انداز بیست ساله است؛ این چشم انداز خیلی مهم است. .... درست نگاه کنید، دقت کنید و چشم انداز بیست ساله را بخوانید. ما ملت ایران با این قانون اساسی جامع و با این ارکان نظام - اگر خوب کار کنند و درست کار کنند - می‌توانیم در ظرف بیست سال کشور خود را به نقطه‌ی اوج و قله‌ی بی که در این چشم انداز تصویر شده، برسانیم. سیاست‌ها را در نظر داشته باشید. سیاست‌ها براساس این چشم انداز تنظیم شده است. قانون‌ها باید با سیاست‌ها هماهنگ باشد؛ یعنی در دل سیاست‌ها جا بگیرد و به



## منظومه فکری و تمدن‌ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی / شرفی و عبدالملکی

سمت این چشم انداز حرکت کند. آن چشم‌انداز هم بر پایه‌ی اسلام است. باید همه‌ی وقت و همت و شغل را مصروف همین اهداف کرد و در واقع ذوب در این اهداف شد (مقام معظم رهبری، بیانات در جمع نمایندگان مجلس، 1383/3/27).

### **تعالی بین معنویات و مادیات:**

مقام معظم رهبری در تبیین ماهیت و فضای تمدن نوین اسلامی می‌فرماید: انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایت خلق کرده است، زندگی خوب و عزتمند داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان و طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (مقام معظم رهبری، بیانات در 1383/3/22)

... «یک توهم خطرناکی در ذهنها وجود داشت، تزریق شده بود، آن عبارت بود از توهم تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه‌یافتگی از یک طرف، و معنوی زیستن و اخلاقی زیستن از طرفی دیگر. باور شده بود برای بعضی که اگر جامعه بخواید عقلانی و عملگرا و رونده و شتاب‌گیرنده‌ی در راه پیشرفت زندگی بکند، ناچار است از اخلاقیات و معنویات و دین و خدا فاصله بگیرد! اگر به همبستگی اخلاقی فکر کردیم، به معنویات دل بسته بودیم، ملاحظه‌ی ضوابط و حدود دینی و اخلاقی را کردیم، ناچاریم از پیشرفته بودن کشور صرف‌نظر کنیم؛ از زندگی عقلانی چشم‌پوشیم! یک چنین توهمی وجود داشته... آنچه که ما می‌خواهیم بر آن پافشاریم، این است که جمهوری اسلامی و حاکمیت دین و اسلام این توهم را ابطال کرده. ما می‌خواهیم و می‌توانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشرفته زندگی کنیم، هم در عین حال متمسک به ارزش‌های اخلاقی خودمان و پایبند به ایمان دینی خودمان و عامل به فرائض و لوازم زندگی مذهبی خودمان باقی بمانیم؛ بلکه در این جهت هم پیشتر برویم» (مقام معظم رهبری، بیانات در بازدید از صنعت خودروسازی، 89/1/09).

بنابراین یکی از پیش‌فرض‌های تمدن‌سازی در نگاه اسلامی این است که بتواند بین زیست مادی و زیست معنوی تعادلی منطقی برقرار نماید. این تعادل باید در سبک زندگی اسلامی نمود و ظهور پیدا کند؛ ظهوری که مقام معظم رهبری آن را در مفهوم حیات طیبه خلاصه می‌کند

### **مجاهدت و تلاش:**

جهاد مداوم، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفته‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره 3، پائیز 1400

است. مجاهدتِ دائم هم هم‌ه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1392/02/11)

#### 2. ارکان و نهادهای تمدن پروری

قطعا هر انقلابی به این علت که تغییرات بنیادین و دگرگونی‌های اساسی را رقم می‌زند، نظم نوینی را جایگزین دیسپلین قدیم می‌کند، نظم نوین نیازمند ایجاد و رشد نهادهایی است که مسیر تحقق اهداف و پاسخگویی به نیازها را هموار نمایند. بنابراین بعد از هر انقلابی نظام سازی، رونق نهادی و یا تحول اساسی در نهادهای موجود یک امر ضروری است. در مسیر نظام‌سازی یکی از مهمترین تجربه انقلاب اسلامی در ایران ایجاد نهادهای انقلابی برای هدایت و مدیریت انرژی آزاد شده ناشی از انقلاب بود. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: "در مقوله‌ی نظامی، ارتش که ساخته و پرداخته‌ی فرهنگ دیگری و نظام دیگری و کسان دیگری بود، تبدیل شد به یک ارتش انقلابی، به یک ارتش متدین و مؤمن؛ ساخت‌هایش هم تغییر پیدا کرد، روش‌هایش هم تغییر پیدا کرد، شعارهایش هم تغییر پیدا کرد؛ در آن، تحول به وجود آمد. در کنار این، نهاد نوپا و تازه‌ای از خود انقلاب روئید و آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود؛ که اگر این دومی نمی‌شد، اولی هم امکان‌پذیر نبود. اینها هنرهای انقلاب است که امام بزرگوار ما مظهر اعمال این هنرها و فهم دقیق از نیاز جامعه و نیاز آینده بود و این را با قدرت، با قاطعیت و با پیگیری انجام داد" (مقام معظم رهبری، بیانات در دانشگاه کرمانشاه، 24/1390/7)

مشخصه اصلی این نهادهای انقلابی را باید مردمی بودن و فراگیر بودنشان در بین همه مردم جامعه دانست. این مردمی بودن را در دو سطح می‌توان بررسی نمود؛

نخست؛ گستردگی عینی این نهادها به لحاظ منابع انسانی و نیز به لحاظ ارائه خدمات به همه مردم است. یعنی اینکه این نهادها در درجه اول از توده‌ها و آحاد مردم تشکیل می‌شود. خصیصه‌ای که مثال اتم و اکملش را در بسیج مستضعفین و یا جهاد سازندگی در ابتدای انقلاب می‌توان مشاهده نمود. اما دومین ویژگی این است که این گستردگی سطح پنهانی نیز دارد و آن "عضویت هویتی" آحاد مردم در اینگونه نهادها است. نوعی احساس تعلق و تعهد نسبت به ارزش‌هایی که آن نهاد به آن منتسب است و نیز نوعی احترام نوعا با رشک نسبت به کسانی که به آن مجموعه تعلق حقوقی دارند. حتی گاهی این احساس عضویت هویتی چنان پررنگ می‌شود که با مشاهده کاهش تعهد به ارزش‌های

### منظومه فکری و تمدن‌ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی / شرفی و عبدالملکی

اساسی نهادهای انقلابی-چه از جانب فردی که خود را منتسب می‌کند و چه از جانب کلیت نهاد- اعضای هویتی اولین کسانی هستند که به مقابله و انتقاد از این وضع می‌پردازند.

مقام معظم رهبری در تبیین ضرورت نقش نهادها و نیروهای انقلابی در تمدن‌سازی می‌فرماید: "هدف پی‌ریزی یک تمدن است؛ یک حرکت عظیم است، برای این باید ارتش‌ها، سپاه‌ها، و دستگاه‌های ما، وزارتخانه‌های ما، نیروی انتظامی ما و غیره باید خودشان را آماده کنند، این تشکیلات بایستی با این ایده طراحی گردند".

مطابق الگوی نهادسازی تمدنی، مدعی تمدن در صدد نفوذ در الگوها و کمربندهای حفاظتی است لذا دفاع ایران از مردم لبنان، سوریه و عراق در مقابل مزدوران صهیونیستی و داعش در طول انقلاب به عنوان یک رفتار آشکار تمدنی نشانگر حضور و نفوذ تمدنی در مرحله تمدن‌پروری است که ریشه در لایه‌های زیرین یعنی نهاد و سازمان انقلابی و رزمی بنام سپاه دارد که بر نوعی جهان بینی و جهان‌نگری اسلامی استوار است که دفاع از مظلوم را به عنوان یک وظیفه شرعی و دینی بر مومنین این حوزه واجب می‌کند و بی تفاوتی را تقبیح و منع کرده است. در لایه زیرین این نوع نگرش دینی و شریعت اسطوره‌ها و استعاره‌های تاریخی و کهن در باب ظلم ستیزی و دوری از پلیدی به عنوان پیش فرض‌های بنیادی نگاه کنشگران را به انسان و جهان و پی‌ریزی سازمان‌ها و نهادهای نیک نهاد و مقوم رفتارهای حمایتگرانه هدایت کرده است.

#### 3. کارگزاران تمدن داری:

علما و روشنفکران - امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند... امروز امید ما به علمای دین در سراسر دنیای اسلام و به روشنفکران راستین [است] که غرب را قبله‌ی خودشان ندانند؛ امید به آنها است و این ممکن است. نگویند این کار، شدنی نیست؛ این کار شدنی است، این کار عملی است. دنیای اسلام ابزارهای فراوانی دارد: ما جمعیت خوبی داریم، سرزمین‌های خوبی داریم، موقعیت جغرافیایی برجسته‌ای داریم، منابع طبیعی بسیاری در دنیای اسلام داریم. نیروهای انسانی با استعداد و برجسته‌ای در دنیای اسلام داریم که اگر اینها را با تعالیم اسلام مستقل بار بیاوریم، میتوانند آفرینش‌های هنرمندانه‌ی خودشان را در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی سیاست، در عرصه‌ی فناوری و در عرصه‌های گوناگون اجتماعی نشان بدهند و ارائه بدهند (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با مسئولین و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، 1394/8/10)

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره 3، پائیز 1400

نسل جوان -..... آنی که ما به شدت نیازمند اعتماد به نفس او هستیم، قشر جوان ماست؛ بخصوص قشر جوان اهل علم و فرزانه و بالقوه اداره کننده‌ی بخشی از آینده‌ی این کشور؛ چه اداره کننده‌ی علمی، چه اداره کننده‌ی سیاسی، چه اداره کننده‌ی عملی و اجرائی. این قشر باید توصیه‌ی به اعتماد به نفس را درست به گوش بشنود و از اعماق دل بپذیرد و در همه‌ی فعالیت‌های خود آن را محور و ملاک قرار بدهد. (مقام معظم رهبری، بیانات در 13/10/1386)

آینده‌ی دور، ایجاد تمدن اسلامی است؛ تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیتهای امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرنهای اخیر زخم خورده است، مجروح است، غمگین است و نسلهای جوان آن دچار یأس و نومیدی و افسردگی‌اند. اسلام میتواند این نسلها را به آفاق جدیدی برساند، دل‌های آنها را شاد کند و آنها را آن‌چنان که متناسب و شایسته‌ی کرامت انسان است، کرامت ببخشد؛ تمدن نوین اسلامی یعنی این. و شما هسته‌های مهم و اساسی و اصلی در ایجاد این تمدنید. آینده متعلق به شما است. سازندگان آینده‌ی کشور و آینده‌ی این تمدن و در واقع آینده‌ی جهان، شما جوانهای امروزید. (مقام معظم رهبری، بیانات در دانشگاه افسری امام حسین، 31/2/1393)

...راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟ راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیات‌ی که آن خصوصیات اینها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور... ما یک چنین نسلی لازم داریم. این نسل، نسل جوان ما است. سرمایه‌ی این حرکت، این نسل است و موتور محرکه‌ی این حرکت هم نخبگان جوانند؛ نخبگان این‌جوری هستند (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار نخبگان علمی کشور 28/7/1395)

نخبگان علمی و دانشگاه‌ها:

مقام معظم رهبری در گفتمان خود علم را یکی از ارکان اساسی تمدن سازی می‌داند و با تاکید بر نقش تاریخی ایران در رشد و کمال تمدن بشری خدمات ارزنده ایرانیان را به پیشرفت علم در جهان یادآوری می‌فرماید و تلاش برای رسیدن به قله‌های علمی جهان را وظیفه‌ای همگانی و خصوصا نخبگان جوان، و اقشار دانشگاهی و حوزوی می‌داند و با تاکید بر دانش بنیان کردن برنامه‌ها و اقدامات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی، زیست محیطی و انتظار عمل جهادی و انقلابی را در این حوزه به جامعه گوشزد می‌فرماید. از جمله مهمترین فرازهای معظم‌له در خصوص نقش و جایگاه علم در تمدن سازی، تمدن داری و تمدن پرروری عبارتند از:

## منظومه فکری و تمدن‌ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی / شرفی و عبدالملکی

دنیای غرب با علم توانست به ثروت و قدرت دست یابد اما چون ایمان و ظرفیت نداشتند علمشان به ظلم و استکبار منتهی شد (مقام معظم رهبری، بیانات در جمع شرکت‌کنندگان اتحادیه بین مجالس اسلامی، 1396/10/26)

... "از نکات مهم برای کشورهای اسلامی تلاش برای پیشرفت علمی است (مقام معظم رهبری، بیانات در جمع شرکت‌کنندگان اتحادیه بین مجالس اسلامی، 1396/10/26)

### 4. نقش تعیین شعارهای سال در گفتمان سازی تمدنی

مقام معظم رهبری به عنوان دیدبان انقلاب با اشراف بر ضرورت ساخت نظریه تمدنی در مقابل ادعای لیبرالیسم و جهانی سازی تمدن آمریکایی و همچنین پایان دادن به اعوجاج‌های ملی‌گرایانه و ناسیونالیستی در حاشیه پارادایم انقلاب، به شیوه‌های مختلف گفتمان مفاهیم و مبانی تمدن‌سازی را در میان اقشار و مخاطبان تمدنی طرح نمودند. تعیین و نام‌گذاری هر سال با مفاهیم و شعارهای ویژه یکی از رویه‌ها و اقدامات مقام معظم رهبری در هدایت افکار عمومی، بسیج منابع و امکانات، افکار و اندیشه‌ها در جهات خاص است که می‌توان آن را در راستای گفتمان سازی تمدنی ارزیابی کرد. معظم‌له در طول مدت رهبری با انتخاب شعار برای هر سال به شیوه‌ای حکیمانه و در قالب یک منظومه فکری علاوه بر اینکه تمامی نیروهای اجتماعی را به هم‌افزایی، توان‌افزایی و انباشتگی انرژی برای تحقق اهداف و راهبردهای ملی فراخوانده است، بلکه معیار و شاغولی را در راستای ارزیابی اقدامات و عملکرد ارکان نظام در ساخت تمدنی ارائه کرده است.

شعار به مثابه گفتمان غالب نوعی گفتمان سازی است، جامعه شناس فرانسوی پیربورديو معتقد است: "این نوع نامگذاری می‌تواند "بر سازنده واقعیت اجتماعی اند، آنها بیان‌کننده مفاهیم و درعین حال مهمترین ستون کشمکش‌های سیاسی اند" ایضا مقام معظم رهبری خود تعبیر زیباتری با عنوان "جنگ اراده‌ها" بکار بردند.

شعارهایی که مسیر تکامل تمدنی را از مقام انتزاعی و نظری تا مقام انضمامی و عملی هموار می‌نماید و امکان تبدیل گفتمان روزمره را به گفتمکان تمدنی در فرایندهای تمدن‌سازی تا تمدن‌پروری و تمدن‌داری فراهم می‌کند.

مجموعه‌ی این استعاره و مفاهیم با تاکید بر جهت‌گیری تمدنی را می‌توان در جدول زیر خلاصه و

بازخوانی کرد:

سال	استعاره و مفهوم بکار گرفته در هر سال	مقام نظری یا	اتلاق تمدنی
-----	--------------------------------------	--------------	-------------

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره 3، پائیز 1400

	عملی		
1369	تحول درونی	انتزاعی و نظری	تمدن سازی
1370	امید و روشنی	انتزاعی و نظری	تمدنی سازی
1371	تحول معنوی	انتزاعی و نظری	تمدن سازی
1372	عدالت اجتماعی	انتزاعی و نظری	تمدن پروری
1373	صرفه جویی	انضمامی و عملی	تمدن داری
1374	وجدان کاری، انضباط اقتصادی و اجتماعی	انضمامی و عملی	تمدن پروری
1375	پرهیز از اسراف و حفظ منابع ملی	انضمامی و عملی	تمدن داری
1376	معنویات و فضایل اخلاقی	انتزاعی و نظری	تمدن سازی
1377	صرفه جویی	انضمامی و عملی	تمدن داری
1378	امام خمینی	انضمامی و عملی	تمدن پروری
1379	امام علی (ع)	انضمامی و عملی	تمدن پروری
1380	اقتدار ملی	انضمامی و عملی	تمدن داری
1381	عزت و افتخار حسینی	انضمامی و عملی	تمدن پروری
1382	خدمتگذاری به مردم	انضمامی و عملی	تمدن داری
1383	پاسخگویی	انضمامی و عملی	تمدن داری
1384	همبستگی ملی و مشارکت عمومی	انضمامی و عملی	تمدن سازی
1385	پیامبر اعظم (ص)	انضمامی و عملی	تمدن پروری
1386	اتحاد ملی و انسجام اسلامی	انتزاعی و نظری	تمدن سازی
1387	نواوری و شکوفایی	انتزاعی و نظری	تمدن سازی
1388	اصلاح الگوی مصرف	انضمامی و عملی	تمدن پروری
1389	همت مضاعف کار مضاعف	انضمامی و عملی	تمدن داری
1390	جهاد اقتصادی	انضمامی و عملی	تمدن داری
1391	تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی	انضمامی و عملی	تمدن داری
1392	حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی	انضمامی و عملی	تمدن داری
1393	اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی	انتزاعی و نظری	تمدن سازی
1394	دولت - ملت همدلی و همزبانی	انضمامی و عملی	تمدن پروری
1395	اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل	انضمامی و عملی	تمدن داری
1396	اقتصاد مقاومتی تولید و اشتغال	انضمامی و عملی	تمدن داری
1397	حمایت از کالای ایرانی	انضمامی و عملی	تمدن داری

### نتیجه‌گیری و پیشنهادهای

مروری بر سابقه تمدن‌سازی در کلان تاریخ بشری نشان می‌دهد مناسبت‌سازی، نام‌گذاری و شعار سازی برای ایجاد حرکت‌های جمعی یک اقدام تمدن‌ساز است، بیشتر این کنش‌های تمدنی از ناحیه رهبران اجتماعی صورت گرفته است، بسیاری از اعمال و مناسک مذهبی مانند نماز جمعه، حج و ایام و اعیاد خاص اسلامی علاوه بر جنبه انجام فرایض دینی را می‌توان از این منظر اقدامی تمدن‌ساز ارزیابی کرد. همچنین بسیاری از اعیاد و مناسبت‌های ملی ایرانی نقش تمدن‌سازی و تکثیر تمدنی را حتی خارج از مرزهای ملی به عنوان حوزه نفوذ تمدن ایرانی به خوبی ایفا می‌کند. پیوند دیرین شریعت اسلامی و روح حقیقت جوی ایرانی در تاریخ معاصر ایران با انقلاب اسلامی و راهبردهای تمدن‌ساز امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری انرژی تازه‌ای در این پیوند دمیده است. تاکید معظم له بر ایام خاص خصوصاً ایام محرم و صفر و احیای غزت و افتخار حسینی، راه پیمایی اربعین، جشن‌های شعبانیه و تعیین شعار سال نیز به عنوان اقدامات تمدن‌ساز ارزیابی می‌گردد.

گفتمان تمدن‌سازی مقام معظم رهبری دارای دو مقام و یا دو ساحت اصلی است یک مقام انتزاعی یعنی تعیین و تبیین مبانی، اهداف، اصول، ارزش‌های بنیادی تمدن‌ساز که راس هرم تمدن را شامل می‌گردد و دیگری مقام انضمامی که لایه میانی هرم تمدنی شامل ارکان، نهادها، و عرصه‌های تمدن‌پروری و نهایتاً در قاعده هرم عوامل، کارگزاران و کنشگران تمدن‌داری را شامل می‌شود.

گفتمان تمدن‌رهبری با طراحی فرایند و مراحل پنجگانه شکل‌گیری تمدن از غنای نظری لازم برخوردار است اما از نظر کارگزاران تمدن‌پروری و تمدن‌داری هنوز رنج می‌برد، خصوصاً آنکه برخی ارکان حاکمیتی و نهادها و گروه‌های اجتماعی در راس و متن نظام خود را در قواره تمدنی تعریف نمی‌کنند، تجربه چندین ساله و جابجایی قدرت بین گروه‌های مختلف نشان می‌دهد نگاه جناحی و گروهی مهمترین بلای تمدنی است که فرایند تمدن‌سازی را با چالش مواجه کرده است و نیروهای فعال تمدن‌ساز نظام تمدنی را از انرژی و اطلاعات لازم برای تمدن‌پروری و تمدن‌داری تهی می‌کند و همین موضوع پیوند و همگرایی خرده‌نظام‌های تمدنی را در پیشبرد تمدن‌تهدید می‌کند.

میدان گفتمان تمدن‌ساز مقام معظم رهبری بر سه گستره و یا سه حوزه نفوذ تمدنی تاکید دارد که عبارتند از:

1. گستره‌ی بشری و تمرکز بر حوزه نفوذ پیام رسالت و فرجام مهدویت - ساخت جامعه الهی - اسلامی در قواره جهانی.

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره 3، پائیز 1400

2. گستره‌ی اسلامی تمرکز بر حوزه نفوذ تمدن نوین اسلامی در منطقه و جهان اسلام- ساخت امت واحد اسلامی.

3. گستره ایرانی با تاکید بر استحکام ساخت درونی جامعه ایرانی در ابعاد همه جانبه اجتماعی با تاکید بر وحدت و انسجام ملی، اقتصادی با تاکید بر مقاوم سازی اقتصاد، پیشرفت و رفاه، سیاسی با تاکید بر مردم سالاری دینی و کارآمدی، فرهنگی با تاکید بر اخلاق و معنویت، قضایی با تاکید بر عدالت و قانونمندی، دفاعی با تاکید بر بازدارندگی مردم پایه، علمی با تاکید بر مرزشکنی و پیشتازی. جامعه ای که در قواره یک الگو و نمونه موفق قابل تکثیر در میان ملت‌ها و جوامع دیگر است، دوستان تمدنی را امیدوار و دشمنان تمدنی را مایوس و ناامید می گرداند و گردانده است، به طوری که سردرگمی‌های استکبار جهانی در مقابل انقلاب اسلامی ناشی از این موضوع است. این تمدن و جامعه با روحیه انقلابی و استکبار ستیزی، مجاهد و تلاش مستمر، بصیرت و آگاهی، واقع بینی و آرمانگرایی، ایمان و عمل صالح، اعتماد به وعده الهی دست یافتنی است.



## منظومه فکری و تمدن ساز مقام معظم رهبری در چهار دهه انقلاب اسلامی / شرفی و عبدالملکی

### منابع

- 1) امام خامنه‌ای، سیدعلی، مجموعه بیانات در سایت اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (مدظله).
- 2) خامنه‌ای، سید محمد (1396)، متن مصاحبه در ویژنامه فلسفه اسلامی و تمدن نوین اسلامی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی ناجا.
- 3) خسرو پناه، (1396)، متن مصاحبه در ویژنامه فلسفه اسلامی و تمدن نوین اسلامی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی ناجا.
- 4) دوران، ویل (1378)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام تهران: چاپ سینا
- 5) دهخدا، علی‌اکبر (1341)، لغت‌نامه فارسی دهخدا، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران
- 6) عبدالملکی، حجت‌اله، (1395)، الگوی شناسایی بخش‌های تولیدی مزیت‌دار کشور در چارچوب اقتصاد مقاومتی. تهران پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج. 25-51.
- 7) عبدالملکی، هادی و همکاران، (1396)، نظریه گذار تمدنی، مجموعه مقالات سومین همایش تمدن نوین اسلامی، تهران، دانشگاه شاهد.
- 8) عبدالملکی، هادی و ستار صادقی، (1395)، درآمدی بر راهبردهای اقتصاد مقاومتی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- 9) عبدالملکی، هادی، (1397)، طراحی الگوی راهبردی موفقیت گفتمان بسیج در حفظ و تداوم بیداری اسلامی، رساله دکتری، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت.
- 10) عمید، حسن، (1376)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
- 11) فرقانی، محمد مهدی، (1382)، راه دراز گذار، تهران، فرهنگ و اندیشه، چاپ اول.
- 12) معین، محمد (1381)، فرهنگ لغات فارسی معین، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- 13) مطهری، مرتضی، (1381)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
- 14) نصری، عبدالله، (1394)، نظریه تمدن انسان‌محور، عصر اندیشه، شماره 8
- 15) یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس، (1391)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

16) Laclau. E(1990) New reflections on revolution of ourtim London: Verso

17) Laclau.E and Miouffe.C(1985). Hegemony and socialist strategy. Towards a radical politics London: Verso

1 بُعد سخت‌افزاری تنها بُعد هر تمدن از تشکیل نمی‌دهد بلکه نرم‌افزار سخن اصلی را می‌زند و اگر سخت‌افزار قابل رؤیت است، نرم‌افزار ریشه در تفکر و فلسفه دارد (خسروپناه، 1396: 37)

2 در واقع هر جا ردپایی از تمدن دیده می‌شود قطعاً نام یک پیامبر، فیلسوف، دانشمند دیده می‌شود. تمدن یونان با نام افلاطون و ارسطو گره خورده است. تمدن اسلامی با نام پیامبر اسلام و امامان معصوم شناخته می‌شود. تمدن ایران باستان با نام زرتشت و کورش مشهور است. تمدن غرب با کانت و دکارت گره خورده است، تمدن‌های بین‌النهرین با نام پیامبران الهی حضرت ابراهیم، سلیمان موسی و عیسی (ع) شناخته می‌شود. شکوفایی تمدن اسلامی در ایران معاصر با ملاصدرا و خواجه نصیر، ابن سینا، فارابی و ابوریحان و امثالهم شناخته می‌شود. تمدن شرق با کنفوسیوس شناخته می‌شود. (ر.ک. عبدالملکی، 1396، مجموعه مقالات سومین همایش تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد)

۳ Discourse

۴ Discursus

۵ anti- essentialist

۶ Fairclough, N

۷ Laclau, E. and Mouffe, C

۸ Potter, J. and Wetherell, M

9 Articulation

10 moment

11 ابعاد در گفتمان عبارت است نشانه‌هایی که نسبتاً تثبیت شده و معنای مورد توافق دارند (یورگسن، 1391: 62)

12 element

13 laclou & mouffe

14 The field of discursivity

15 Floating signifiers

16 crystallisation

17 finished totality

18 nodal points

19 master signifiers

20 مهمترین ویژگی این تمدن نوین در قواره ایرانی- اسلامی ترکیب "حُب و لا و حُب و لا" است یعنی جایی که ابعاد مادی و سخت‌افزاری تمدن در همگرایی با ابعاد معنوی و نرم‌افزاری به سرنوشت انسان و جهان به صورت

همزمان بکار گرفته می‌شود. یعنی فقط با این راهبرد است که می‌توان از دو گانه‌های وجودی انسان تمدن استنباط و استخراج کرد.

حُبّ وُلا: وطن دوستی، دفاع و حفظ سرزمین به عنوان کالبد تمدن اسلامی و فراهم کننده منابع سخت افزاری و کالبدی تمدن.

حُبّ وُلا: دوستی اهل بیت رسول لله(ص) و معصومین(ع) به عنوان ولی و قیم امت اسلامی، به عنوان کانون نرم افزاری تمدن اسلامی، ویژگی اختصاصی که در بنیان‌های فکری مراجع شیعی وجود دارد در انقلاب ایران در قالب سیاسی ظهور کرد و در اثر تشعشات انقلاب در منطقه و جهان در حال باروری است. (ر.ک عبدالملکی، 1396، مجموعه مقالات سومین همایش تمدن نوین اسلامی، سایت دانشگاه شاهد)